

راهکارهای مشارکت عامه مردم در خط مشی‌گذاری عمومی

دکتر سیدمهدی الوانی*

یکی از انتقادات عمده نظام‌های مردم‌سالار، عدم مشارکت مؤثر عامه مردم در خط‌مشی‌گذاری عمومی و سلطه متخصصان و کارشناسان در این زمینه می‌باشد. در این نظام‌ها به دلایل مختلف مانند پیچیدگی مسایل، هزینه‌بر بودن، عدم اطمینان و تأخیر و کندی، مشارکت مردم کنار گذاشته شده و در تصمیم‌گیری‌های عمومی به نظرات تخصصی بسنده می‌شود. برای رفع این نقیصه و مشارکت عامه مردم در خط‌مشی‌گذاری عمومی مدلی ارایه گردیده است که در آن دو شاخص مشارکت وجود دارد: یکی هدف و منظور از مشارکت و دیگری ماهیت موضوع مورد تصمیم. با استفاده از این مدل، تصمیم‌گیرندگان قادر خواهند شد استراتژی‌ها و راه‌کارهای مشارکت مردمی در خط‌مشی‌گذاری عمومی را به گونه‌ای طراحی کنند که هم در آگاه ساختن مردم مؤثر باشد و هم کیفیت خط‌مشی‌های اتخاذ شده را بهبود بخشد.

واژگان کلیدی: راه‌کارهای مشارکت عامه، تبادل اطلاعات، ماهیت

مشارکت، هدف مشارکت.

مقدمه

مشارکت عامه مردم در تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ خط‌مشی‌های عمومی، از گذشته‌های بسیار دور مورد توجه علما و اندیشمندان مدیریت بوده و همواره به عنوان یکی از شیوه‌های انسجام اجتماعی معرفی شده است. سِلزْنیک در مقاله کلاسیک خود تحت عنوان ساز و کارهای جذب عوامل تهدیدکننده (سلزْنیک^۱، ۱۹۴۹) مشارکت را تنها راه تنش‌زدایی میان قدرت قانونی سازمان‌ها و قدرت اجتماعی شهروندان می‌داند. او معتقد است هرگاه شهروندان با مشارکت جذب سازمان‌های دولتی شوند از حالت تهدیدی خارج شده و به صورت یک فرصت در کنار مدیران دولتی قرار می‌گیرند. مشارکت عامه مردم در سازمان‌های دولتی و مسئله خط‌مشی‌گذاری‌های عمومی به نوعی دموکراتیزه شدن بنیادی منجر می‌گردد و شهروندان را از حالت بی‌تفاوتی نسبت به دولت خارج ساخته و آن‌ها را متعهد به سرنوشت خود در جامعه می‌سازد. دموکراسی و مردم‌سالاری در مدیریت دولتی متکی به گسترده ساختن ایده مشارکت عامه مردم است. اگر اجازه دهیم شهروندان دستی در حکومت داشته باشند، به آنان فرصت بالنده شدن داده‌ایم و نیروی عظیمی را برای پیشبرد اهداف دولتی بسیج کرده‌ایم.

دیدگاه‌های مختلف در زمینه مشارکت عامه

مقامات دولتی، کارشناسان و متخصصان، تحصیل‌گران خط‌مشی و نظریه‌پردازان مختلف، در زمینه مشارکت عامه مردم در خط‌مشی‌گذاری عمومی دیدگاه‌های متفاوتی را ابراز داشته‌اند که به عنوان مدخل بحث به آن‌ها اشاره می‌شود:

- گروهی از متخصصان و مقامات دولتی بر این باوراند که امروزه مسایل مطرح در خط‌مشی‌گذاری عمومی به اندازه‌ای پیچیده و بغرنج می‌باشد که عامه مردم، بدون دانش و تخصص‌های لازم نمی‌توانند به طور مؤثر در امر خط‌مشی‌گذاری عمومی مشارکت

نمایند. مردم‌سالاری سنتی و کلاسیک در دنیای امروز مفهومی ندارد و برای اداره امور باید متخصصان و کارشناسان پا به عرصه تصمیم‌گیری بگذارند و تنها به یاری آن‌ها است که می‌توان خط‌مشی‌گذاری مؤثری انجام داد (برزین اسکس^۱، ۱۹۷۶ و ماتثو^۲، ۱۹۹۴).

- گروهی دیگر از نظریه‌پردازان خط‌مشی‌گذاری عمومی، عامه مردم را در زمینه خط‌مشی‌گذاری بی‌تفاوت و بی‌علاقه می‌دانند. این گروه معتقد است در دنیای امروز مردمان در پی گذران زندگی و منافع شخصی خود بوده و علاقه چندانی به مشارکت در مسایل خط‌مشی‌گذاری عمومی ندارند. بنابراین، نمی‌توان با اتکا بر مشارکت عامه مردم به صورت یک نیروی مؤثر و دائم، با اطمینان نظامی را طراحی نمود و انتظار داشت که این نظام به درستی پاسخ‌گویی مسایل خط‌مشی‌گذاری عمومی باشد.

- بسیاری از مقامات سیاسی بر این اعتقادند که مشارکت بیش‌تر شهروندان در خط‌مشی‌گذاری عمومی، نقش خط‌مشی‌گذاران را دگرگون ساخته و از قدرت آنان کاسته است. از این رو باید به گونه‌ای عمل شود که نقش مقامات سیاسی در خط‌مشی‌گذاری حفظ شود.

- یکی دیگر از نظرات مخالفان مشارکت عامه مردم، زمان‌بر بودن و هزینه‌ساز بودن این مشارکت است. طبق این نظریه، شهروندان در مشارکت خود موجب می‌شوند تا فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی طولانی شده و پیچیدگی‌ها و هزینه‌هایی به آن تحمیل گردد (کریگتون^۳، ۱۹۸۱).

- برخی از نظریه‌پردازان خط‌مشی‌گذاری عمومی، تصمیم‌گیری عقلایی و تصمیم‌گیری مردم‌سالارانه را در دو قطب متضاد می‌بینند که دو هدف مخالف هم را دنبال می‌نمایند. در تصمیم‌گیری عقلایی هدف کارایی است، در حالی که در تصمیم‌گیری مردم‌سالار هدف رضایت شهروندان و پاسخ‌گویی به نیازهای آنان است (فیشر^۴، ۱۹۹۵).

1. Brzezinski.
2. Mathews.
3. Creighton.
4. Fischer.

- موافقان مشارکت عامه مردم در خط مشی گذاری عمومی اعتقاد دارند که متخصصان و کارشناسان نمی توانند وسعت نظر عامه مردم را در خط مشی گذاری منعکس سازند و باید تدبیری اندیشیده شود که عامه مردم بتوانند در خط مشی گذاری عمومی مشارکت داشته باشند و دامنه وسیعی از نظرات که نگرش کل جامعه را نشان می دهد، مطرح سازند (فارمر^۱، ۱۹۹۵).

- گروه دیگری از موافقان مشارکت عامه مردم، به شکل گیری قوای حکومتی توجه کرده و متخصصان اداری را متولی وضع خط مشی نمی دانند، بلکه معتقداند این نمایندگان مردم هستند که واضعان اصلی خط مشی محسوب می شوند؛ بنابراین، مردم به طریق اولی باید در خط مشی گذاری مشارکت داشته باشند.

ایفای نقش تصمیم گیری عمومی از سوی کارشناسان و متخصصان با روح مردم سالاری در تضاد بوده و تصمیم گیری عقلایی که وسیله ای به شمار می آمده است، به صورت هدف درآمده و این وضعیت شایسته حکومت های آزادمنش و مردم سالار نیست (سال^۲، ۱۹۹۲). این گروه معتقداند اختیار تصمیم گیری در قوه مجریه به صورت فن سالارانه موافق با اصول جامعه مرکب^۳ و مردم سالار نیست.

چارچوبی برای مشارکت مردم در خط مشی گذاری عمومی

هدف مشارکت

مشارکت موفقیت آمیز شهروندان در خط مشی گذاری عمومی بستگی به انتخاب استراتژی های مؤثر در این زمینه دارد. این استراتژی ها باید دربرگیرنده هدف مشارکت و ماهیت موضوع مشارکت باشد. نویسندگان مختلف ملاحظه و بررسی دقیق هدف از مشارکت عامه مردم را امر مهمی در فرایند مشارکت دانسته اند. به عنوان مثال، کریگتون

1. Farmer.

2. Saul.

3. Pluralism.

هدف از مشارکت مردم را مبادله اطلاعات و مشروعیت بخشیدن به خط مشی ها می داند (کریگتون، ۱۹۸۱)، یا توماس مقصود از مشارکت عامه مردم را تبادل اطلاعات و پذیرش خط مشی از سوی آنان دانسته و این مسئله را مهم تر از کیفیت تصمیمات اتخاذ شده قلمداد می کند (توماس^۱، ۱۹۹۵). انسجام اجتماعی و بهره گیری از اطلاعات نیز از اهداف دیگری است که با مشارکت عامه تحقق پیدا می کند.

شهروندان خط مشی گذاران را در حکم نمایندگان خود می پندارند و هرگاه این احساس به وجود آید که نظرات و اطلاعات آنان به هیچ وجه در تصمیم گیری ها دخالت داده نمی شود نوعی عدم اعتماد و بدبینی نسبت به تصمیم گیرندگان در آن ها ایجاد می شود و بی تفاوتی و دلسردی جامعه را فرا می گیرد.

اگر فرایند خط مشی گذاری را شامل مراحل زیر بدانیم باید به روشنی مشخص شود که مشارکت عامه مردم در کدام مراحل عملی و کارساز است. این مراحل عبارت اند از:

- ۱- احساس مشکل (عارضه یابی)؛
- ۲- ادراک مشکل (ریشه یابی)؛
- ۳- تعیین معیار سنجش (سنجه یابی)؛
- ۴- احصای راه حل ها (راه حل یابی)؛
- ۵- ارزیابی راه حل ها (بهبه یابی)؛
- ۶- انتخاب اصلح و اعلام تصمیم (قانونی شدن تصمیم)؛
- ۷- ارزیابی و اصلاح خط مشی در اجرا.

حال باید دید شهروندان در کدام یک از مراحل می توانند به طور مؤثری مشارکت نمایند. برای نمونه، در احساس مشکلات و بیان آن ها شهروندان به خوبی قادراند مشارکت داشته و مسایل را به سیستم خط مشی گذاری منتقل نمایند، اما در مرحله ریشه یابی و بررسی های تخصصی شاید مشارکت همگانی نتواند به درستی عمل نماید و باعث تیرگی روابط شهروندان و سازمان های متولی اجرای آن خط مشی گردد (کریگتون، ۱۹۸۱).

همانگونه که قبلاً اشاره شد اهداف مشارکت شهروندان را می توان در پنج دسته خلاصه کرد:

- ۱- کشف و شناخت مسایل عمومی؛ جست و جو برای یافتن مشکلات و مسایل عمومی؛
- ۲- آموزش؛ آگاه شدن شهروندان از مسایل عمومی؛
- ۳- سنجش دیدگاهها؛ اطلاع از دیدگاهها و نظر شهروندان راجع به مسایل جامعه و راه حل های آن؛
- ۴- انگیزش؛ ایجاد انگیزه در شهروندان برای تفکر در مورد مسایل جامعه و راه حل یابی برای آنها؛
- ۵- پذیرش و ایجاد مشروعیت عامه؛ ایجاد پذیرش در جامعه نسبت به خط مشی ها و توجه به نرم های جامعه در خط مشی گذاری.

کریگتون تمامی این پنج دسته اهداف را در «تبادل اطلاعات» با شهروندان تحقق یافته می بیند. به زعم او با ایجاد ارتباط می توان به کشف مسایل مورد ابتلای مردم، آگاه ساختن آنان از محدودیت ها، آگاه شدن مراجع خط مشی گذار از دیدگاه های شهروندان، و انگیزش و پذیرش عامه مردم، دست یافت. جدول شماره ۱ اهداف مشارکت عامه مردم را در هر یک از مراحل تدوین و شکل گیری خط مشی های عمومی نشان می دهد.

جدول شماره (۱): مراحل فرایند خط مشی گذاری و اهداف از مشارکت شهروندان در هر یک از مراحل

مراحل فرایند خط مشی گذاری	هدف مشارکت
احساس مشکل	آگاهی از مشکلات به کمک مشارکت مردم
ادراک مشکل	کمک گرفتن از عامه در ریشه یابی مشکلات و آگاه ساختن آنان از مشکلات
تعیین معیار سنجش	یاری گرفتن از مردم در تعیین معیار سنجش
احصای راه حل ها	یاری گرفتن از مردم برای تدوین راه حل ها آگاه ساختن شهروندان از مسایل عمومی آگاهی از نرم های جامعه در مورد راه حل ها
ارزیابی راه حل ها	آگاهی از دیدگاه های شهروندان راجع به مسایل عمومی و راه حل آن ها آگاه ساختن شهروندان از راه حل های مشکلات آگاهی از میزان سازگاری راه حل ها با نرم های جامعه

<p>انگیزش شهروندان در اجرای راه‌حل انتخابی پذیرش شهروندان نسبت به راه‌حل انتخابی تطبیق راه‌حل انتخابی با نرم‌های جامعه</p>	<p>انتخاب اصلح و اخذ تصمیم</p>
--	--------------------------------

در هدف کشف و شناخت مسایل عمومی، شهروندان از مسایلی که خط‌مشی‌گذاران باید برای آن‌ها راه‌حل پیدا کنند، آگاه می‌شوند و این موضوع باعث می‌شود تا خط‌مشی‌گذاران به انتخاب‌هایی دست نزنند که عامه مردم نسبت به آن‌ها هیچ‌گونه حساسیتی نداشته باشند. هم‌چنین، کشف و شناخت مسایل، نوعی زبان مشترک بین تصمیم‌گیرندگان و عامه مردم ایجاد می‌کند و از بروز بسیاری سوءتفاهم‌ها و قضاوت‌های نادرست جلوگیری می‌کند. با استمرار مشارکت می‌توان به تعریف واحد و یکسانی از مسایل رسید که به طور نسبی انعکاس دیدگاه‌های مختلف جامعه باشد. داشتن زبان مشترک و شفاف شدن مسئله از دیدگاه‌های مختلف در جامعه موجب می‌شود که مراحل مختلف فرایند خط‌مشی‌گذاری با نوعی توافق جمعی شکل گیرد و راه‌حل نهایی نیز از مقبولیت و پذیرش بالایی برخوردار باشد. البته روشن است که در بیشتر موارد، رسیدن به یک تعریف واحد و راه‌حل مورد قبول همگان در جامعه یا امری غیرممکن یا دشوار است، اما مشارکت عامه مردم این نتیجه را خواهد داشت که همه مسئله را ارزیابی کرده و راه‌حل مناسب را انتخاب می‌کنند و اگر روش انتخاب راه‌حل منصفانه و درست باشد، اثرات مثبت آن، اثر منفی کنار گذاشته شدن یک راه‌حل و قبول راه‌حل دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

هنگامی که تحصیل‌گران در جست‌وجوی راه‌حل‌های ممکن برای یک مسئله می‌باشند، مشارکت مردم می‌تواند در آگاه ساختن آن‌ها، کشف راه‌حل‌های جدید و اعطای مشروعیت مردمی به آن‌ها مؤثر باشد. هم‌چنین، در مراحل دیگر خط‌مشی‌گذاری عمومی نیز مشارکت عامه مردم به گونه‌های مختلف مؤثر و کارساز است. به هر طریقی که عامه مردم در خط‌مشی‌گذاری مشارکت داده شوند یک نکته به آنان تفهیم می‌شود و آن ارزش قائل شدن برای آن‌ها و نظرات و ایده‌هایشان می‌باشد و شاید این موضوع ارزش‌مندترین اثر مشارکت مردم باشد. مردمی که در تصمیم‌گیری‌ها کنار

گذاشته شده و نظراتشان نادیده گرفته می شود، احساس پوچی کرده و به عنوان شهروندانی وفادار و متعهد به آرمان های جامعه خود قادر به ایفای نقش نخواهند بود. به این ترتیب جامعه از حمایت مردمی محروم می ماند و بسیاری از سیاست ها و خط مشی ها که نیاز به پشتیبانی عامه دارد، عقیم می ماند. از این رو باید کوشید تا در هر مرحله از فرایند خط مشی گذاری عمومی از مشارکت عامه مردم بهره برد و آن را موهبتی دانست که انسجام و یک پارچگی را در جامعه ایجاد کرده و به حکومت و رفتارهای آن مشروعیت می بخشد.

ماهیت موضوع در مشارکت

دومین بعد در طراحی الگویی که مشارکت موفقیت آمیز شهروندان را تحقق بخشد، ماهیت موضوعی است که در خط مشی گذاری مطرح می شود. تحقیقات انجام شده نشان می دهد که مطلوبیت و اثربخشی مشارکت عامه مردم و درست عمل کردن ساز و کارهای مشارکتی با توجه به موضوع مورد تصمیم تغییر می نماید (والترز^۱، ۲۰۰۰). از این رو درک درست از موضوع مورد تصمیم و ماهیت آن، برای انتخاب استراتژی مناسب مشارکت اهمیت بسیاری پیدا می کند (توماس، ۱۹۹۵).

برخی از ویژگی های موضوع طرح شده در خط مشی گذاری می تواند در موفقیت مشارکت عامه نقش مؤثری داشته باشد. این ویژگی ها در یک پیوستار از کاملاً ساختار یافته ها تا کاملاً بدون ساختار قرار می گیرند که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است (ملیتروف^۲، ۱۹۹۹).

جدول شماره (۲): ویژگی های ماهیت موضوع مورد تقسیم

ویژگی ها	کاملاً ساختار یافته	نیمه ساختار یافته	کاملاً بدون ساختار
۱- درجه تضاد در مورد موضوع	اجماع و اتفاق نظر	اتفاق نظر متوسط	تضاد کامل
۲- تعداد ذی نفعان مرتبط به موضوع	کم	متوسط	زیاد

1. Walters.

2. Mitroff.

۳- درجه اطمینان نسبت به اطلاعات در مورد موضوع	اطمینان کامل	اطمینان متوسط	عدم اطمینان
۴- تعداد بدیل‌ها	کاملاً محدود	تا حدودی محدود	کاملاً نامحدود
۵- آگاهی نسبت به نتایج	آگاهی کامل	آگاهی متوسط	عدم آگاهی
۶- احتمال نتایج	قابل محاسبه	تا حدودی قابل محاسبه	غیر قابل محاسبه

همان‌طور که از جدول استنباط می‌شود، در حالتی که موضوع تصمیم از جهت ویژگی‌های شش‌گانه در موقعیت کاملاً ساختار یافته قرار دارد مشارکت عامه به سادگی انجام پذیر است. در چنین حالتی تضاد و تعارض بسیار کم بوده و تقریباً همه افراد دارای یک نظر می‌باشند و چون تعداد بدیل‌ها محدود بوده و ذی‌نفعان نیز متعدد نمی‌باشند و نتایج روشن و قابل محاسبه است، می‌توان پیش‌بینی کرد که مشارکت عامه به طور مؤثری صورت خواهد گرفت. هر قدر از سمت ساختار یافتگی طیف به سوی عدم ساختارمندی حرکت کنیم امکان ایجاد تعارض و تضاد بیشتر شده و مشارکت عامه دشوارتر می‌گردد. در این حالت‌ها تصمیم گیرندگان باید با آگاه ساختن جامعه از موضوع، هدایت آنان به سوی مصالحه و سازش و روشن ساختن مسئله، مشارکت را عملی سازند. تنظیم جلسات بحث و گفت‌وگو و بررسی مسئله به وسیله ذی‌نفعان مختلف که به شکلی با موضوع در ارتباط مستند موجب می‌شود ابعاد مختلف موضوع شناخته شده و بتوان در نهایت به یک راه‌حل تقریباً قابل قبول دست یافت که نظر اکثریت را تأمین کند.

در حال حاضر اغلب گروه‌های جامعه به شکلی سازمان یافته‌اند و می‌توان از سازمان‌های آن‌ها برای حل تعارضات استفاده کرد و سازمان‌ها را به گفت‌وگو و مباحثه با یکدیگر ترغیب نمود. به عنوان مثال، انجمن‌های کارفرمایی و انجمن‌های کارگری برای حل مسایل مورد اختلاف در زمینه خط مشی‌های کارگری، می‌توانند به بحث و گفت‌وگو بنشینند و با ادامه این ارتباطات به راه‌حل‌های نسبتاً مورد قبول دست پیدا کنند. البته ممکن است این فرایند بسیار طولانی بوده و گاهی نیز بی‌نتیجه بماند، اما در مقایسه با

حالتی که اصلاً ارتباطی بین این گروه‌ها صورت نمی‌گرفت و سیاست‌های عمومی بدون مشارکت آنان شکل می‌گرفت، بسیار کارساز و مؤثر است. در چنین شرایطی مباحثه و مناظره بین رهبران گروه‌های مختلف نیز می‌تواند مفید باشد.

اما در حالت‌هایی که گروه‌ها سازمان یافته نبوده و در جامعه پراکنده‌اند و رهبری خاص نیز ندارند، باید کوشید تا با استفاده از وسایل ارتباط جمعی - مطبوعات و رادیو و تلویزیون - این ارتباط را برقرار کرد و نظرات موافق و مخالف را مطرح ساخت و در نهایت به نوعی توافق جمعی دست یافت.

در برخی موارد، آگاه ساختن کل جامعه میسر نبوده و ضرورتی نیز ندارد. در مسایل پیچیده باید گروه‌های درگیر در موضوع را با استفاده از دانش تخصصی و کارشناسانه، آگاه نمود و گروه‌های مشاوره‌ای به وجود آورد که ذی‌نفعان را از بدیل‌های مختلف حل مسئله و تجارب علمی آگاه گردانند و به صورت علمی موضوع را برای آنان تحلیل کنند.

جدول شماره (۳): جدول هدف - موضوع و راه کارهای پیشنهادی برای تحقق مشارکت عامه (والترز،

۲۰۰۰)

ماهیت موضوع تصمیم هدف مشارکت	کاملاً ساختاریافته	نیمه ساختار یافته	کاملاً بدون ساختار
آگاهی از مشکلات به کمک مردم	نظرخواهی از مردم در قالب نمونه	نظرخواهی از گروه‌های خاص درگیر	نظرخواهی از مردم در محله و منطقه
آگاهی مردم از مسایل عمومی	اطلاع‌رسانی	آگاهی از طریق وسایل ارتباط جمعی	آگاهی از طریق وسایل ارتباط جمعی
باری گرفتن از مردم در تعیین معیارهای سنجش راه‌حل‌ها	نظرخواهی از مردم در قالب نمونه	نظرجویی از گروه‌های خاص و ذی‌نفعان نظرجویی محلی و منطقه‌ای	نظرجویی از گروه‌های خاص و ذی‌نفعان نظرجویی محلی و منطقه‌ای
تسریب مردم به اجرای راه‌حل‌های پذیرفته شده	اطلاع‌رسانی	جلسات بحث و گفت‌وگو آموزش عمومی در مورد موضوع، آموزش گروه‌های خاص درگیر	جلسات بحث و گفت‌وگو، آموزش عمومی در مورد موضوع، آموزش گروه‌های خاص درگیر

همه پرسی نظرجویی عمومی	همه پرسی نظرجویی عمومی	اطلاع رسانی	مشروعیت بخشیدن به راه حل ها
---------------------------	---------------------------	-------------	-----------------------------

حال که اهداف مشارکت عامه و ماهیت موضوع مورد نظر در خط مشی گذاری مورد بررسی قرار گرفت باید بین این دو بعد (هدف - موضوع) ارتباط برقرار کرده و راه کارهای ممکن را تشریح نمود. جدول شماره ۳ رابطه بین هدف - موضوع و ساز و کارهای تحقق مشارکت را نشان می دهد. همان طور که در جدول ملاحظه می شود، زمانی که ماهیت موضوع مورد تصمیم در وضعیت کاملاً ساختار یافته و روشن و مطمئن قرار دارد اهداف مشارکت به سادگی عملی می شود و هر چه به سوی عدم ساختارمندی حرکت می کنیم تحقق اهداف مشارکت مشکل تر می گردد. به عنوان مثال، اگر هدف، مشروعیت بخشیدن به راه حل های مورد نظر از سوی عامه مردم بوده و موضوع بدون ساختار و مبهم باشد و ذی نفعان متعددی درگیر مسئله باشند و راه های ممکن نیز متعدد باشد، راه کار، نظرجویی و همه پرسی است، در حالی که همین هدف در حالت ساختار یافته بدون مراجعه به آرای عمومی تحقق می یابد و تنها اطلاع رسانی کافی است تا نظر مثبت همگان نسبت به موضوع جلب شود. سایر راه کارهای پیشنهادی با توجه به نوع هدف و ماهیت موضوع در جدول ذکر گردیده است.

نتیجه گیری

یکی از مسایل مهم در نظام های مردم سالار میزان مشارکت عامه در خط مشی گذاری ها است. شاید به طور کلی نتوان یک راه کار مناسب برای مشارکت عامه ارایه نمود. در این مقاله با توجه به هدفی که از مشارکت در نظر می باشد و ماهیت موضوعی که مورد بحث است، راه کارهای مختلفی ارایه شده است که تصمیم گیرندگان می توانند از آنها برای جلب مشارکت عامه استفاده کنند. مشارکت عامه تضمین کننده اجرای خط مشی ها، انسجام بخش جامعه و حرمت آفرین برای تمام اعضای جامعه است. مشارکت عامه بر این پیش فرض استوار است که همه انسان ها آگاه و توان مند هستند و می توان از نظرات آنان به نفع جامعه خود آنها بهره گرفت. مشارکت عامه نظام قیم وار مدیریتی را

نفی می‌کند و انسان‌ها را قادر به اداره امور خود می‌داند. ساز و کارهای مشارکت با توجه به شرایط می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد و از اطلاع‌رسانی ساده، تا جلسات بحث و گفت‌وگو و همه‌پرسی و نظرجویی از گروه‌های کوچک و بزرگ، به اجرا درآید. مدیریت خط‌مشی‌گذاری عمومی باید بداند که اگر بخواهیم در جامعه همبستگی و اتفاق و اتحاد به وجود آوریم و بدنه جامعه را از رأس هرم مدیریتی جدا نسازیم تنها طریق ممکن، مشارکت عامه و احترام به نظرات و ایده‌های شهروندان است و این مهم را از هر طریقی که میسر باشد باید انجام داد. مشارکت عامه، نظام پارلمانی و نمایندگی را تحکیم می‌بخشد و در کنار آن، جامعه‌ای منسجم و همبسته به وجود می‌آورد.

مآخذ

- 1- Brzezinski, z, *Between Two Ages...* (N.y., Viking Press, 1976).
- 2- Creighton, J. L, *The Public Involvement Manual* (Cambridge, Abtbroks, 1981).
- 3- Farmer, D.J, *The Language of P.A.* (AL, The University of Alabama Press, 1995).
- 4- Fischer, F., *Evaluating Public Policy* (Chicago, Nelson-Hall Publishers, 1995).
- 5- Mathews, D., *Politics for People* (IL., University of Illinois Press, 1994).
- 6- Mitroff, I. & Sagasti, F., "Epistemology of General System Theory", *Philosophy of the Social Sciences*, 1973-3(1).
- 7- Saul, J.R., *Voltaire's Bostards: The Dictatorship of Reason in the West* (N.Y., The Free Press, 1992).
- 8- Selznick, P., "The Cooptative Mechanism" in *TVA and Grass Roots* (Berkeley, University of Calif, 1949).
- 9- Thomas, J.C., *Public Participation in Public Decisions* (CA., Jossay-Bass, 1995).
- 10- Walters, L.C. & Miller, J., "Putting More Public in Policy Analysis", *PAR*, 60(4) July-Aug 2000.